



دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد

شرح وتحليل عيون المراثي في الأدب العربي

الدكتور ناصر حسيني

استاذ الأدب العربي بجامعة آزاد الإسلامية فرع مهاباد

سرشناسه	: حسینی، ناصر، ۱۳۶۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: شرح و تحلیل عیون المراثی فی الادب العربی/ المؤلف ناصر حسینی.
مشخصات نشر	: تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات؛ مهلباد: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مهلباد، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۶۵۵ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۱۰-۵۳۸۴-۲
وضعیت فهرست نویسی	: قیفا
یادداشت	: عربی.
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع	: مرثیه و مرثیه‌سرایی عربی -- تاریخ و نقد
موضوع	: Elegiac poetry, Arabic -- History and criticism
موضوع	: شعر مذهبی عربی -- تاریخ و نقد
موضوع	: Religious poetry, Arabic -- History and criticism
شناسه افزود	: دانشگاه آزاد اسلامی. سازمان چاپ و انتشارات
شناسه افزود	: Islamic Azad University Publication
شناسه افزود	: انتشارات آزاد اسلامی. واحد مهلباد
رده بندی کنگره	: PJA۲۲۲۳/م۴ح ۱۰۱۷
رده بندی دیویی	: ۷۱۰.۰۰۱۹۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۳۸۴

عنوان کتاب: شرح و تحلیل عیون المراثی فی الادب العربی

تالیف: ناصر حسینی

چاپ اول: ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

ناشر: سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی (با همکاری واحد مهلباد)

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۱۰-۵۳۸۴-۲

شابک:

قیمت: ۴۰۰۰۰۰ ریال

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

فهرس المحتويات
المقدمة:

٤

الباب الأول: تحليل أدب الرثاء

١٤

الفصل الأول: الرثاء وماهيته

٢١

الفصل الثاني: أدب الرثاء في العهد الجاهلي

٤١

الفصل الثالث: أدب الرثاء في العهود الإسلامية

٥٧

الفصل الرابع: أدب الرثاء في المذنب والدول والخصارات الزائلة

الاب الثاني: ترجمة الشعراء وتحليل مراتبهم ونقدتها

٧٢

الفصل الأول: دراسة عيون المراتي في العهد الجاهلي

٧٣

بشر ابن أبي حازم الأسدي

٨٠

جلال الخيش تعرف الركابا

أ سائلة عن من أربها

٨٧

كعب بن سعد القنوي

٩١

وكل إمرى، بعد الشباب يثيب

تقول ابنة العنسي: قد شئت لذناب

١٠٧

دريد بن الصمة

١١٠

بعاية، أخلقت كل موعدا

أ رث جديد الخيل من أم مقبدا

١٢٣

المهلهل

١٢٩

هذوة، سدمو هاءا حار

أهاج قداء عني الإدكار

١٣٧

أعشى باهلة

١٤٠

إلى لا عحب منها ولا سدا

قد جاء من عل أنباء أنبؤها

١٥١

الخنساء

١٥٨

أم ذررت أم خلعت من أهلها الدار

أ قدى بعينيك أم بالعين عوار

١٦٩

سعدى بنت الشمرذل

١٧٢

وأيت ليلى كله لا أمخع

أ من الحوادث والمنون أروع

- لَيْدُ بْنُ رَيْغَةَ الْعَامِرِيُّ ١٨١
- بَلَيْنَا وَمَا تَبَلَى التُّحُومُ الطَّوَالِغُ وَتَبَقَّى الْجِنَالُ بَعْدَنَا وَالْمَصَانِغُ ١٨٧
- الْثَابِغَةُ الدُّبْيَانِيُّ ١٩٣
- دَعَاكَ الْهَوَى وَاسْتَخْهَلْتِكَ الْمَنَارِلُ وَكَيْفَ تَصَابِي الْمَرْءُ وَالشَّيْبُ شَامِلٌ؟ ١٩٩
- الْفَصْلُ الثَّانِي: دِرَاسَةُ عُيُونِ الْمَرَاثِي فِي الْعَهْدَيْنِ الْإِسْلَامِيِّ وَالْأُمَوِيِّ ٢٠٩
- حَسَّانُ بْنُ ثَابِتٍ الْأَنْصَارِيُّ ٢١٠
- بَطْنِيَّةٌ رَسَمَ لِلرُّسُولِ وَمَعْهَدٌ مُنِيرٌ وَقَدْ تَعَفُّو الرُّسُومَ وَتَهْمَدُ ٢١٧
- جَرِيرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ النَّطْلِيُّ ٢٢٩
- لَوْلَا الْحَيَاءُ لَعَادَنِي اسْتِعْبَارُ وَلَزَزْتُ قَهْرِي وَالْحَيْبُ يُزَارُ ٢٣٤
- لَيْلَى الْأَخْيَلِيَّةُ ٢٤١
- نَظَرْتُ أَكْثَرَ مِنْ ذِيَانٍ دُونَهُ مَقَاوِرُ حَوْصَى، أَيُّ نَظَرَةٍ نَاطِرُ ٢٤٥
- مُتَمِّمُ بْنُ نُوبِرَةَ الْيَرْبُوعِيُّ ٢٥٩
- لَعَمْرِي وَمَا دَهْرِي بِثَابِتٍ هَذِيكُ وَلَا خَرَجَ مِمَّا أَصَابَ فَأَوْجَعَا ٢٦٥
- أَبُوذُؤَيْبٍ الْهَذَلِيُّ ٢٨١
- أَمِنْ الْمُنُونِ وَرِييَهَا تَتَوَجَّعُ وَالْدَهْرُ أَيْسَ يَمْتَعِبُ مَنْ يَجْزَعُ ٢٩٢
- مَالِكُ بْنُ الرَّيْبِ التَّمِيمِيُّ ٣١٥
- أَلَا لَيْتَ شِعْرِي هَلْ أَيْتَنُّ لَيْلَةً بِحَنْبِ الْفُصَى أَزْجِي الْقَاصَصَ النَّوَاجِيَا ٣٢٠
- الْفَصْلُ الثَّالِثُ: دِرَاسَةُ عُيُونِ الْمَرَاثِي فِي آلِ الْبَيْتِ (ع) ٣٣٣
- الشَّرِيفُ الرَّضِيُّ ٣٣٤
- كَرْبَلَا، لَا زَلَّتْ كَرْبَلَا وَبَلَا مَا لَقِي عِنْدَكَ آلَ الْمُصْطَفَى! ٣٣٩
- دِيكَ الْجِنَّ الْحِمَصِيُّ ٣٥٥
- عَلَى هَذِهِ كَانَتْ تَدُورُ النَّوَابِتُ وَفِي كُلِّ جَمْعٍ لِلدَّهَابِ مَذَاهِبُ ٣٥٨
- مَا أَنْتَ مِنِّي وَلَا رَنْعَاكِ لِي وَطَرُ أَلْهَمُ أَمْلَكُ بِي وَالشَّوْقُ وَالْفِكَرُ ٣٦٤

- دُعِلَ الْخَزَاعِيُّ ٣٧١
- مَدَارِسُ آيَاتٍ خَلَّتْ مِنْ تِلَاوَةٍ ٣٧٧ وَمَنْزِلٌ وَخِي مُقْفَرُ الْعَرَصَاتِ
- الْكَمِيتُ بْنُ زَيْدِ الْأَسَدِيِّ ٣٨٩
- مَنْ لِقَلْبٍ مُتَمِّمٍ مُسْتَهَامٍ ٣٩٥ غَيْرَ مَا صَبَوَةٌ وَلَا أَخْلَامَ
- الفصل الرابع: دراسة عُيُونِ المَرَاثِي فِي الْعَهْدِ الْعَبَّاسِيِّ ٤٢١
- أَبُو الْحَسَنِ الْأَنْبَارِيُّ ٤٢٢
- عَلُّوْ فِي الْحَيَاةِ، وَفِي الْمَمَاتِ ٤٢٥ لَحَقَّ تِلْكَ إِخْدَى الْمُعْجَزَاتِ
- إِبْنُ الرُّومِيِّ ٤٣١
- إِنَّاؤُكُمَا يَشْفِ . وَإِنْ كَانَ لَا يُجْدِي ٤٣٨ فُجُودًا فَقَدْ أَوْدَى نَظِيرُكُمَا عِنْدِي
- أَبُو الْعَلَاءِ الْمَعَرِيُّ ٤٤٧
- غَيْرُ مَجْدٍ لِي مِنْهُ إِعْتِقَادِي ٤٥٦ نَوْحُ بَاكِ وَلَا تَرْثُمُ شَادِ
- أَبُو تَمَامٍ ٤٧٣
- كَذَا فَلْيَجِلَّ الْخَطْبُ وَلْيَفْدَحْ لِأَمْرِ ٤٨٠ فَلَيْسَ لِعَيْنٍ لَمْ يَفِضْ مَاؤُهَا عُذْرُ
- أَبُو الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَهَامِيِّ ٤٨٩
- حُكْمُ الْمَنِيَّةِ فِي الْبَرِيَّةِ جَارٍ ٤٩٨ مَا هَذِهِ الدُّنْيَا بِدَارِ قَرَارٍ
- بَهَاءُ الدِّينِ زُهَيْرٍ ٥١٩
- أَرَاكَ هَجَرْتَنِي هَجْرًا طَوِيلًا ٥٢٣ وَمَا عَوَّدْتَنِي مِنْ جِلْدٍ نَسِيمًا
- أَبُو الطَّيِّبِ الْمُتَنَبِّئِيِّ ٥٢٧
- نُعِدُّ الْمَشْرِفِيَّةَ وَالْعَوَالِي ٥٣٤ وَتَقْتُلُنَا الْمُنُونُ بِلا قِتَالٍ
- أَلَا لِأَرِي الْأَحْدَاثَ حَذًّا وَلَا دَمًا ٥٤٨ فَمَا بَطَّشَهَا جَهْلًا وَلَا كَفَّهَا جِلْدًا
- الفصل الخامس: عُيُونِ المَرَاثِي فِي الْمُدُنِ وَالْدُّوَلِ وَالْحَضَارَاتِ الرَّائِلَةِ ٥٥٧
- الْبُخْتَرِيُّ ٥٥٨
- صُنْتُ نَفْسِي عَمَّا يُدَسُّ نَفْسِي ٥٦٧ وَتَرَفَعْتُ عَنْ جَدَا كُلِّ جَنْسٍ

ابن الرومي

٥٨٥

دَادَ عَنْ مُقَلَّتِي لَذِيذَ الْمَنَامِ

٥٨٩

شَغَلَهَا عَنْهُ بِالدُّمُوعِ السَّحَابِ

٦٠٣

أَبُو الْبَقَاءِ الرُّنْدِيُّ

٦٠٨

لِكُلِّ شَيْءٍ إِذَا مَا تَمَّ نُقْصَانُ

فَلَا يُعْرِ بِطَيْبِ الْعَيْشِ إِنْسَانُ

٦٢٠

النتيجة

٦٢٩

الفهارس

www.ketab.ir

چکیده کتاب به زبان فارسی

شرح و تحلیل مرثیه‌های مشهور شعر عربی: با وجود آن که شعر عربی برای پژوهشگران همواره چشمه‌ای جوشان بوده تا ماده‌ی تحقیق خود را از آن بگیرند، ولی باز زوایای مهمی از آن وجود دارد که از اهتمام شارحان بی‌نصیب مانده، و برای درخشش و تجلّی دوباره نیازمند تلاشی است که زنگار اهامال را از این گوهر ارزشمند برداید. با در نظر گرفتن این که رثاء بخش قابل توجهی از شعر عربی را به خود اختصاص داده، و در هر دوره و در هر دیوانی قصایدی ارزشمند، زیبا و ماندگار با موضوع رثاء وجود دارد، و نیز با خالی یافتن کتابخانه‌های ادب عربی از فرهنگ یا معجمی کامل و فراگیر از این شعر شگرف و پیر احساس، برای تدوین کتابی در باب تحلیل و شرح برجسته‌ترین مرثیه‌های ادب عربی (رنگار)، رغبت ایجاد شد تا «شرح عیون المراثی» را به ادبیات پر بار و غنی عربی تقدیم کند، به ویژه آن که تا کنون تحقیقات به موضوع رثاء در همه‌ی اطوار ادب، و در همه‌ی قصاید مشهور عرب نپرداخته است.

مرثیه را بدین اعتبار انتخاب نموده که بسیار دیرینه و کهن است، یعنی از زمانی که آدمی بر روی این کره‌ی آباد زیسته، و سرنوشت تلخ مرگ دیوان را تجربه کرده، مرثیه نیز سروده است. چون او هر روز که چشم می‌گشاید شاهد مرگ شخص عظیمی یا خویشاوندی یا دوستی بوده، پس همیشه حقیقت تلخ مرگ برای او جلوه‌گر می‌شود، حقیقتی که در همه‌ی حقایق دیگر سایه می‌اندازد. این حقیقت ناگوار همان مرگ است که جذابیت‌های گیتی را به سراب تبدیل می‌کند، پس ناگاه همان دنیایی که آن را زیبا و سرمدی می‌پنداشت، تبدیل به اجساد مردگان می‌شود، زمین در کل گورستانی بزرگ می‌شود که اصوات ناخوشایند مرگ را منتشر می‌کند. رثاء همچنان که قدیم‌ترین غرض شعری است، صادقانه‌ترین گونه‌ی شعری نیز هست، چون محامله، ترهیب، ترغیب، و گریستن صله نمی‌تواند انگیزه‌ی سرودن آن باشد.

این کتاب که اکنون در مقابل چشمان خواننده‌ی بزرگوار قرار می‌گیرد، مشتمل بر دو باب است؛ باب اول به تحلیل ادب رثاء و باب دوم به تحلیل و نقد قصیده‌ها می‌پردازد. باب اول از چهار فصل تشکیل شده است. فصل اول تعریف رثاء و تبیین ماهیت و موضوع آن را بررسی می‌کند،

چنان‌که از این فصل برمی‌آید شعراء در نگرش به مسئله‌ی مرگ با هم اختلاف نظر دارند، برخی به فقید متوفی بیشتر از خود مرگ پرداخته‌اند و چون "خنساء" فاجعه را در وجود فردی از افراد مجسم ساخته‌اند؛ برخی دیگر نیز در مقابل فاجعه یک دیدگاه فردی اتخاذ کرده‌اند، و به گونه‌ی ابوتام در سوگ محمد بن حمید طوسی فضایل فقید را برشمرده و مکارم اخلاق او را ستوده‌اند؛ دسته‌ای هم از شخص متوفی گذر کرده و به خود امر مرگ پرداخته‌اند، به بیانی دیگر از فرد گذر کرده و از انسان و سرنوشت تلخ محتوم او سخن رانده‌اند، و چون أبوذؤب هذلی و أبوالعلاء معری مشکل ناگشودنی فرد را رمزی برای همه‌ی انسان‌ها قرار داده‌اند. فصل دوم پژوهشی است بر رثاء در دوره‌ی جاهلی، و به گونه‌ای که از آن متفاد می‌گردد، مرثیه‌ی جاهلی سجلی است برای مناقب و مکارم اخلاق و محاسن رفتار شخص نفید، که در آن خصائل نیک چون شجاعت، دلاوری، بخشش، وفاداری، شرف و جوانمردی ثبت شده است.

فصل سوم به بررسی رثاء در سایه‌ی عقیده‌ی جدید اسلام می‌پردازد، و بیان می‌دارد که با ظهور اسلام معالم دین جدید در پیش جشمان شاعر مصور می‌شود، هرچند که او در زمان جاهلی در لغات و آداب و افکار و مراثی بر میراث پدران خود تبعیت می‌کرد، ولی وقتی خداوند، اسلام را به عنوان هدیه به بشریت عطا فرمود، اسلام جاهل متحول، دیانات منسوخ، امورات باطل و مقایس آن عوض می‌شود. از این پس در مرثیه‌ها اندیشه‌هایی بلند و مفرداتی با صبغه‌ی اسلامی وارد می‌شود، و اسلام به شاعران نسبت به مرگ و فنا، حشر و نشر، جزا و عذاب دیدگاهی جدید و متعالی می‌دهد. از مراثی این دوره چنین بر می‌آید که شعراء افکار خود را بر مرچشمه‌ی جدید تعالیم اسلامی گرفته‌اند.

به همان شیوه که شعراء بر یاران گریسته‌اند بر دیاران و شهریاران نیز شک ریخته‌اند و از به تاراج رفتن شهری، بر باد رفتن تمدنی، به زیر آمدن تاج و تختی شدیداً متأثر شده، و با رعمق فاجعه را در سوگ سروده‌های خود درج کرده‌اند. چنان‌که سعدی بر خرابه‌های بغداد، ابن رومی بر ویرانه‌های بصره، بختی بر ایوان مداین، و أبوالبقاء رُندی بر دیار اندلس از دست رفته مویه کرده‌اند، بنا بر این فصل چهارم به تحلیل رثاء شهرهای تسخیر شده و تمدن‌های بر باد رفته و حکومت‌های زوال یافته اختصاص دارد.

باب دوم به تحلیل و تفسیر مراثی مشهور در دوران مختلف اختصاص دارد، و از پنج فصل تشکیل شده، ولی در میان این مرثیه‌ها، قصایدی یافت می‌شود که در جوهر و موضوع با بقیه اختلاف دارد، و آن مرثیه‌های اهل بیت (ع)، و مرثیه‌های تمدن‌ها و شهرهاست، بدین جهت فصل سوم از باب دوم این کتاب به بررسی و تحلیل قصاید ماندگار در رثای آل بیت پرداخته، و از شاعرانی بزرگ چون شریف رضی، دعبل و کمیت، و دیک الجن مرثیه‌هایی انتخاب شده است.

فصل چهارم به تحقیق و شرح مشهورترین مرثیه‌های دوره‌ی عباسی؛ از شاعرانی چون ابن رومی، ابوالعلاء، ابوقمّام، ابوالحسن تھامی، بهالدین زهیر و متنبی، ابوالحسن انباری می‌پردازد.

فصل پنجم به تحلیل و تفسیر مرثیه‌ها در سوگ دولت‌ها، تمدن‌ها و شهرها پرداخته است. و از سینه‌بختی به عنوان نمونه‌ی اعلای رثاء تمدن‌های درخشان، و از میمیه ابن رومی به عنوان نمونه‌ی موفق رثاء شهرهای ویران شده، و از زبیه ابن زُندی به عنوان نمونه‌ی بی‌نظیر رثاء اندلس، تحلیل و تفسیر ارائه داده است.

شایان ذکر است که اسامی از برخی مصادر معتبر و موثق انتخاب شده، و در ترتیب و اعراب کلمات و ابیات نهایت دقت نظر به عمل آمده است. در انتخاب مرثیه به عنوان بهترین از داوری صائب ناقدان و شارحان مطرح و معتبر اطوار تاریخ ادبیات عربی استفاده شده است. با این امید که نگارنده در نیل به مقصود خود که تقدیم خدمت اندک به زبان قرآن و دوستداران آن است، موفق بوده باشد، و کار وی مقبول واقع شود.

ناصرحسینی